

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

محمد شاپوری^۱

باقر ساروخانی^۲

محمدصادق مهدوی^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۶

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های پیشین و بررسی نظریات مرتبط در این زمینه، از مبانی نظری رویکردهای نهادگرایی، سیستمی و نونهادگرایی به عنوان چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. روش تحقیق پیمایشی و مطالعه کمی است. جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای شهر تهران در سال ۱۳۹۵ بوده است. حجم نمونه در این تحقیق ۵۹۸ نفر به دست آمده است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش «نمونه‌گیری خوشه‌ای و احتمالی» است. تمام داده‌های مورد نیاز این پژوهش با استفاده از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS آماره‌های توصیفی، جداول یک بعدی و دو بعدی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. برای سنجش پایایی و اعتبار داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از ضریب α آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین اعتباری صوری آن توسط محققان و اساتید صاحب‌نظر به دست آمده است. طبق نتایج به دست آمده، فرضیه اصلی این پژوهش تأیید گردید، بدین معنا که بین مدت زمان سپری شده از ازدواج (سال‌های زناشویی) و انسجام درون گروهی رابطه معنادار با شدت همبستگی ضعیف وجود دارد و جهت این رابطه نیز منفی است. از میان فرضیه‌های فرعی مطرح شده نیز فرضیه‌ای که وجود رابطه بین متغیر سن را با انسجام درون گروهی مطرح ساخته بود مورد پذیرش قرار گرفته و فرضیه‌هایی که وجود رابطه بین متغیرهای میزان تحصیلات و مدت اقامت در شهر تهران را با انسجام درون گروهی مطرح ساخته بودند، تأیید نشدند.

واژگان کلیدی: انسجام، انسجام درون گروهی، زناشویی، خانواده.

۱- دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Sarokhani@ut.ac.ir

۳- استاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

جهان امروز شاهد عظیم‌ترین تحولات تاریخی است که هرگز در تاریخ بشر دیده نشده است. کوچک شدن جهان و همسایگی کشورهای دوردست و آزادسازی انسان امروز از تقید زمان و مکان در طول تاریخ سابقه نداشته است. جهان امروز، جهانی دوار است. تحرک جغرافیایی امروز در تاریخ بی‌سابقه است. انسان‌ها هر روز با دنیایی دیگر و انسان‌هایی دیگر روبرو هستند و این درست عکس جهان دیروز است. دیروز جهانی آرام داشت. انسان‌ها در یک بستر جغرافیایی به دنیا می‌آمدند و می‌دانستند که در همین بستر نیز می‌میرند. دنیای آنان نه تنها از زنده‌ها بلکه از مرده‌ها نیز تشکیل می‌شد. انسان‌ها یکدیگر را در پرتو نام نیاکانشان می‌شناختند. در هر حال دنیایی آرام بود. سفرها نیز برد کوتاه داشت. چند سفر زیارتی در طول عمر یک انسان اتفاق می‌افتاد. بنابراین چسبندگی به جغرافیای تولد همواره به معنای اقامت دائم بود. امروزه شبکه‌ی ارتباطی انسان‌ها دائماً دوار است. در محیط‌های هر روز نو جای می‌گیرند و با انسان‌های ناشناخته روبرو می‌شوند و هر لحظه باید در جستجوی شبکه‌ی تازه‌ای از ارتباطات انسانی باشند (ساروخانی و شکرپیگی، ۱۳۹۳: ۲). در این میان خانواده، دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد. در واقع خانواده هم‌پای جامعه حرکت می‌کند.

در دنیای امروز، تصور آنست که روابط درون خانواده تأثیرپذیری اندکی از هنجارهای سنتی بر جوامع دارند چرا که در خانواده‌های امروزی تصمیم‌گیری در موارد بسیاری از جمله تعدد فرزندان یا پدیده‌ی مرگ و میر از نوعی رفتار تحت سلطه و غیر ارادی به مدلی قابل کنترل و در اختیار فرد تحول یافته است. اگر یک چیز و تنها یک چیز در جامعه‌ی شهری امروز ایران به ویژه شهر تهران «واقعیت محض» باشد آن امر «تغییر خانواده» است. این واقعیت را همه احساس و درک می‌کنند. دختران و پسران دیگر در سنین پایین به خانه‌ی بخت نمی‌روند و «تأخیر در سن ازدواج» امری عمومی شده است، اگر چه هنوز اندک شماری از دختران در سنین پایین ازدواج کرده‌اند. و آنان که به «خانه‌ی بخت» راه پیدا می‌کنند، می‌دانند دیگر با آرمان «لباس عروس به خانه‌ی بخت رفتن و با کفن بیرون آمدن» برای آن‌ها شعاری رؤیاپردازنه شده است، هر چند بسیاری هنوز هرگز طلاق را تجربه نمی‌کنند. تأخیر در سن ازدواج و طلاق نیز دست به دست هم داده تا کم کم «زندگی مجردی» راه خود را به عنوان شیوه‌ای از زیستن در جامعه‌ی شهری امروز باز کند، اگر چه این شیوه‌ی زندگی غربی هنوز مشروعیت کامل ندارد. به علاوه، این تحولات لاجرم الگوهای سنتی پاسخگویی به میل جنسی و نیاز به جنس مخالف را تغییر داده و تابوهای جنسی هر روز بیش از گذشته قدرت کنترل روابط جنسی را از دست می‌دهند و کم‌رنگ‌تر می‌شوند. همچنین «الگوی سنتی

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

خانواده» با محوریت «مرد نان‌آور» و «زن خانه‌دار» اگر چه هنوز پابرجاست اما هر روز بیش از روز گذشته الگویی کهنه‌تر و قدیمی‌تر می‌شود؛ زیرا نه زن‌ها دیگر صرفاً خانه‌دارند و نه مردان دیگر نان‌آور. زنان شهری امروز دیگر الگوی سنتی «زن خوب و فرمانبر و پارسا» را نمی‌پذیرند و حقوق شهروندی، حقوق بشر و آرمان مساوات‌طلبی را برگزیده‌اند، هر چند هنوز زنان خوب و فرمانبر و پارسا بر زنان شهروند و مساوات‌طلب چیره‌اند. روزهای خوش و شیرین زیستن در کنار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و گوش دادن به قصه‌های قدیمی هم تنها و تنها در سریال‌های تلویزیونی و قصه‌ها وجود دارند و «استقلال خانواده» اکنون بیش از «احترام سالمندان» برای مردم اولویت و ارزش دارد، هر چند هنوز پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها محترم و عزیزند. به علاوه، خانواده هر روز کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شود و شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» جانشین تمام ارزش‌هایی شده است که داشتن چند فرزند ذکور برای روشن نگه داشتن اجاق خانواده و چند دختر برای دستگیری از پدر و مادر در روزگار پیری توجیه می‌کرد. دیگر نه تنها روزگار خان‌داداش و بزرگ‌فامیل که انحصار اخذ تصمیم‌های مهم را داشتند پایان یافته است، بلکه پدر نیز باید در تصمیم‌های خانه و خانواده با همسر و فرزندانش مشورت کند و خواست‌های آنها را در تمام تصمیم‌ها در نظر بگیرد. روزگار عجیبی است زیرا کودکان کم کم جای پدران و بزرگسالان را در خانواده می‌گیرند و خواست‌ها و آرزوهای آنهاست که در نهایت سرنوشت زندگی خانوادگی را رقم می‌زند. آفتاب «پدرسالاری» کم کم رو به غروب است، هرچند سایه‌اش هنوز همه جا سنگینی می‌کند. البته اینها به معنای پایان خشونت خانگی و لغو تنبیه بدنی و ستم بر زنان و کودکان نیست. کم کم فست‌فودها و رستوران‌ها جای «سفره‌ی خانواده» را می‌گیرند و فضای خصوصی خانواده جایش را به فضاهای عمومی شهر می‌دهد. مهدکودک‌ها، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها کم کم جای خانواده برای تربیت نسل آینده را پر می‌کنند و وظیفه‌ی بزرگ جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ به نسل جوان از عهده‌ی خانواده برداشته می‌شود، اگر چه هنوز خانواده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ی در پرورش و تربیت کودکان دارند. اینها برخی از «روندهای تغییر خانواده» امروزی است که همه‌ی ما با اندکی نگاه به دور و برمان می‌توانیم آنها را مشاهده و احصاء کنیم (فاضلی و علینقیان، ۱۳۹۳). بنابراین امروز سرنوشت کشورها کاملاً با تحولاتی که در عرصه‌ی فرهنگ در سطوح ملی و فرا ملی رخ می‌دهد پیوند خورده است.

کشورها و یا به عبارت دقیق‌تر دولت‌ها و ملت‌ها در جهان متغیر کنونی وارد فضایی شده‌اند که اقدامات و فعالیت‌هایشان به طور اجتناب‌ناپذیری تحت تأثیر تحولات متنوع فرهنگی موجب می‌شود که اعضای فرهنگ‌های گوناگون، جامعه‌ای را که به نظر می‌رسد همه با هم در آن زندگی می‌کنند، کاملاً متفاوت از همدیگر تجربه کنند. در واقع با رشد تفکیک‌یافتگی

نقش‌های اجتماعی، وابستگی متقابل اعضای اجتماعی به یکدیگر افزایش می‌یابد. با بیانی دورکیمی: در این جوامع بر حسب تفکیک کارکردی و تقسیم کار، اجزا به هم نیازمندتر و در نتیجه، پیوسته‌تر می‌شوند. رشد تقسیم کار و پیشرفت تخصص و رابطه‌ی متقابل و مکمل میان آن‌ها سبب می‌شود که جامعه در برابر ورود عناصر جدید، که سبب اختلال و آشفتگی در نظم موجود می‌شوند، مقاومت بیشتر و آشکارتری که نتیجه‌ی تفکیک ساختی است، از خود نشان دهد. جوامع مدرن صنعتی نشان‌دهنده‌ی هم‌بستگی اندام‌واره‌ای هستند و یا به تعبیر دیگر گونه‌ای از هم‌بستگی اندام‌وارگی است (تنهایی، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۴). بنابراین پیوستگی اعضای جامعه به یکدیگر با توجه به استقلال فردی آن‌ها، هماهنگی بیشتری را جهت حفظ انسجام و استحکام جامعه می‌طلبد.

خانواده نیز به عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. با رشد تفکیک‌یافتگی کارکردی و ساختی، پیوستگی‌های اعضای خانواده به شبکه‌های گوناگون افزایش یافته است که این امر خود بر انسجام خانواده و نحوه‌ی حفظ استحکام آن تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. تغییر خانواده هم معلول مجموعه‌ی وسیعی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و هم پیامدهای وسیع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. گسترش فناوری‌ها، توسعه و تحول نظام اداری (دولت)، فرایندهای جهانی شدن و توسعه‌ی شهرنشینی را می‌توان عوامل بنیادینی دانست که هر کدام به صورت مستقل و همچنین مجموعه‌ی آنها در کنار هم زمینه‌ی تغییر خانواده‌ی شهری امروز را فراهم کرده‌اند و همچنان این تغییرات را تسریع و تشدید می‌کنند (فاضلی، ۱۳۹۲).

جهان امروز، جهانی ارتباطی است که در پرتو آن، نهادهای سنتی جامعه ابعاد تازه‌ای می‌یابند، یعنی ادراک رسانه‌ای آنان افزوده می‌شود. خانواده در گذشته جایگاهی برای گفتگو، دیدار و تبادل نظر بین اعضای بود در حالی که با ورود رسانه‌ها به آن این فضای سنتی شکسته شد. اعضا در کنار هم هستند اما روابط گذشته را تجربه نمی‌کنند. افراد در درون خانواده تعلق چندگانه یافته‌اند که هویت‌هایشان را در سطوح قومی، ملی و جهانی مطرح می‌کند. چندلایگی حیات در همه‌ی عناصر اجتماعی نیز به چشم می‌خورد. در کنار سنت، مدرنیسم پا به عرصه‌ی هستی نهاده است و انسانهایی این دو را به هم آمیخته‌اند، در یک کلام یکپارچگی، جای خود را به تنوع، تعدد و چندگونگی داده است. شاید بتوان گفت این فرایند از بهترین ابعاد جهان رسانه‌ایست. در این جهان نوظهور ارزش‌های کهنه تغییر یافتند و در مواردی از بنیان ساقط شدند. دیگر ارزش‌ها تولد یافتند. جهانی که در آن خواستگاری تنها شیوه‌ی همسرگزینی بود، دیگر ارزش نیست. همگان بر شناخت یکدیگر (طرف‌های زناشویی) تأکید دارند (ساروخانی و شکرپیگی، ۱۳۹۳: ۶).

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

انسان جدید، در پرتو ظهور عصر ارتباطات، لایه‌های گوناگونی دارد. از یک سو، یک انسان قومی است، از سوی دیگر یک انسان ملی است، یعنی ویژگی‌های شخصیت ملی را در خود دارد (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). این امر به رشد و تزاید تشمت و اغتشاش در خانواده‌ی امروزی کمک می‌کند. اعضای خانواده تعلق‌ی چندگانه دارند، هنجارها و ارزش‌های گوناگونی به واسطه‌ی رسانه‌ها وارد شده است که فرهنگ‌پذیری رسانه‌ای در کنار فرهنگ‌پذیری خانوادگی صورت می‌گیرد. تعلق چندگانه‌ی اعضای خانواده، مفهوم ناب آن را تغییر داده است. در این راستا سیاست‌های حمایت‌گرایانه از طرف دولت‌ها ممکنست صورت گیرد تا توازن لایه‌ها به دست آید و از تشمت و اغتشاش در درون خانواده‌ها کاسته شود.

خانواده واحدیست اجتماعی، با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی. خانواده نهادی اجتماعی است و همانند آینه‌ی عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی‌های اجتماعی است. گذشته از این، خانواده از اهم عوامل مؤثر بر جامعه است. هرگز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت رسد مگر آن که از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در نتیجه با توجه به اهمیت بالایی که استحکام خانواده در سلامت جامعه دارد، بررسی عوامل اثرگذار بر انسجام خانواده ضروری می‌نماید.

امروزه خصوصاً در شهرهای مدرن به طور شگفت‌انگیزی شاهد رشد فردیت و فردگرایی در جامعه به ویژه در خانواده می‌باشیم. ارتباطات، شبکه‌های اینترنتی و مجازی نیز به رشد این فردگرایی کمک کرده است. در خانواده امروز با افراد تنها، رها و سرگردان زن و مرد مواجه هستیم که گرچه ساعت‌ها را با هم زیر یک سقف سپری می‌کنند ولی هر کدام از اعضا در تنهایی و دنیای خود فرو رفته‌اند که در نتیجه شکل تازه‌ای از خانواده (خانواده‌ی تفردیافته) را به وجود آورده است (شکریبیگی، ۱۳۹۶: ۱۳). با در نظر گرفتن تغییرات به وجود آمده در روابط خانوادگی شهریه و رشد فردیت پژوهش حاضر به دنبال یافتن تأثیر سال‌های زناشویی در انسجام درونی خانواده است. در شرایط حاضر و روبرو بودن با پدیده فردیت‌سازی شدن، تا چه میزان بین سال‌های زناشویی و انسجام درون خانواده رابطه وجود دارد؟ آیا افزایش سال‌های زناشویی عاملی برای برقراری انسجام درونی خانواده می‌تواند باشد یا خیر؟

از آن جایی که جامعه ایرانی جزو جوامع در حال توسعه و ساختار اجتماعی و فرهنگی آن در حال تغییر می‌باشد یکی از ارکان اساسی جامعه که دچار تغییرات اجتماعی و فرهنگی شده است خانواده می‌باشد. در تحقیق حاضر هدف اصلی بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده تهرانی می‌باشد.

خانواده‌ی ایرانی با چالش‌های بسیاری روبروست. طبق دیدگاه دورکیمی رشد تفکیک‌یافتگی ساختی و کارکردی منجر به تغییرات وسیعی در حوزه روابط خانوادگی ایرانی

شده است، مانند تغییر جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، رشد فردیت، تغییر نگاه به نقش همسر، تغییر ساختار قدرت در خانواده و ... که به مجموعه‌ای از نقش‌های متعارض انجامیده است و روابط درون گروهی خانواده‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به دلیل تغییرات به وجود آمده در خانواده، پژوهشگران حوزه اجتماعی به دنبال تبیین و تحلیل علل و چرایی این تغییرات هستند. بنابراین با توجه به این تحولات، ضروری می‌نماید که عوامل اثرگذار بر انسجام درون گروهی خانواده بررسی گردد که در این پژوهش افزایش سال‌های زناشویی و تأثیر آن بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی بررسی شده است.

در پژوهش به عمل آمده توسط علی فتحی آشتیانی و سید مجتبی حسینی (۱۳۸۹) در رابطه با بررسی رابطه بین رضایت‌مندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، از دویست و شصت دانش‌پژوه مرد که به شیوه‌ی تصادفی ساده انتخاب شدند و در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سالگی بودند، با روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه داده‌ها جمع‌آوری گردید. با توجه به توصیفی بودن این پژوهش برای آزمون فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین به منظور مقایسه و تعیین متغیرهای پیش‌بین در بین گروه‌های سنی، تحصیلی، مدت زمان ازدواج و سن ازدواج از ضریب رگرسیون، تحلیل واریانس و آزمون t استفاده شد. با توجه به جداول و نمودارهای ارائه شده و نتایج ضریب همبستگی مشخص شد که بین مدت زمان تجربه‌ی زندگی زناشویی و رضایت‌مندی زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد که می‌توان چنین نتیجه گرفت: افرادی که مدت زمان تجربه‌ی زندگی بیشتری دارند، از رضایت زناشویی بالاتری نسبت به افرادی که زندگی زناشویی کمتری دارند، بهره‌مند هستند. بنابراین با توجه به این نتایج زوج‌هایی که سال‌های اولیه‌ی زندگی زناشویی را سپری می‌کنند مشکلات سازگاری بیشتری دارند.

هم‌چنین ذخیره‌داری، محمدی‌پور و موسوی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین عوامل فردی - خانوادگی با عملکرد ازدواج در کارکنان بانک، پژوهشی را به صورت پیمایشی با جامعه آماری شامل ۱۹۵ نفر از کارکنان متأهل (زن و مرد) بانک کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۱ که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند را انجام دادند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. یافته‌های حاصل از این تحقیق بیانگر این است که بین مدت زمان ازدواج و عملکرد ازدواج ارتباط وجود ندارد. نتیجه‌ی حاصل از تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد و با نتایج عطاری و همکاران (۱۳۸۶)، و علینقیان (۱۳۸۲) ناهم‌خوانی دارد.

بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین، نمونه‌ای ۵۰ نفره را که به روش نمونه‌گیری در دسترس

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

از بین تمام زوجین ساکن در شهرستان یزد در سال ۱۳۸۷ انتخاب شده بودند را مطالعه نمودند. ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه بود. یافته‌ها نشان دادند همبستگی بین رابطه مدت زمان ازدواج با رضایت زناشویی و سلامت عمومی زوجین معنادار نبود، اما با رضایت جنسی رابطه معنادار و معکوس داشت، به طوری که افراد با مدت زمان ازدواج کمتر، رضایت جنسی بالاتری را گزارش کردند. در نتیجه چون همبستگی بین مدت زمان ازدواج و رضایت از روابط جنسی منفی است، ممکن است بالا رفتن سن آزمودنی‌ها باعث کاهش توانایی و میل آن‌ها به روابط جنسی شود. علاوه بر آن از بین رفتن تازگی طرفین برای یکدیگر نیز می‌تواند یک عامل مهم و تأثیرگذار در این زمینه باشد.

از دیدگاه استیگلتیز گذار جوامع از سنتی به مدرن به‌خصوص وقتی که خصلت درون‌زا و مناسب خود را ندارد، سرمایه‌ی اجتماعی جامعه را دچار فرسایش می‌کند. به نظر استیگلتیز جوامع سنتی اغلب دارای سطح بالایی از سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی سازمانی هستند. هر چند این سرمایه ممکن است به گونه‌ای نباشد که برای تسهیل تغییر لازم است اما در فرایند تجددگرایی، این سرمایه‌ی اجتماعی و سازمانی اغلب تضعیف می‌شود یا از میان می‌رود. به گونه‌ای ممکن است فرایند تخریب، پیش از ایجاد سرمایه‌ی جدید اجتماعی و سازمانی روی دهد و جامعه را از ساختارهای ضروری و فضای اخلاقی که لازمه‌ی کارکرد بهینه آن است محروم کند (شکرپیگی، ۱۳۹۲: ۱۸۰). نکته‌ای که استیگلتیز اشاره می‌کند، دقیقاً در جامعه‌ی ما رخ داده است. یعنی جامعه و نهادهای اجتماعی با موجی از تجددگرایی و نوگرایی مواجه شده است و به نظر می‌رسد که میزان تجددگرایی در میان مردم و بالاخص نهادهای اجتماعی خانواده باعث تغییر در سرمایه‌ی اجتماعی این نهاد دیرپا و فرهنگی گردیده است و در حقیقت امواج نوگرایی در هر جا که وارد شده، تغییرات و تحولات و تخریب و بی‌اعتمادی و آسیب‌های اجتماعی را با خود به همراه آورده است. جریان تجددگرایی نیز از صد و پنجاه سال پیش تاکنون در جامعه‌ی ایران دگرگونی‌هایی را ایجاد کرده است که تغییرات سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی، انسانی و اجتماعی را در نهان خود پرورانده است و در این میان، دگرگونی خانواده‌ی ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بوده است. به گونه‌ای که کارشناسان به دلیل فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی خانواده، بحث فروپاشی و زوال خانواده‌ی ایرانی را مطرح کردند. دگرگونی سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده‌ی ایرانی متأثر از جریان تجددگرایی بیش از همه در روابط زن و مرد، حیات عاطفی و روابط پدران و فرزندان به چشم می‌خورد و همین طور نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد خانواده نشان از بحرانی فراگیر در ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی از جمله: اعتمادی، مشارکتی، هم‌یاری و حمایتی خانواده‌ی ایرانی می‌باشد. همچنین از هم‌گسختگی گروه بزرگ خویشاوندی منجر به پیدایش انواع خانواده‌های کوچکی

است که در عین جستجوی استقلال هنوز در عمل تحت تسلط شبکه های خویشاوندی هستند و به نوعی حمایت‌هایی را از شبکه خویشاوندی دریافت می‌کنند.

ویدمور و دیگران (۲۰۰۴) پژوهشی تحت عنوان انواع شبکه‌های زناشویی، تضاد زناشویی و کیفیت زناشویی را انجام داده‌اند. این پژوهش در مورد کارکردهای زن و شوهری روی ۹۱۰ زوج ازدواج کرده که به طور مستمر با فرزندان‌شان در سوئیس زندگی می‌کردند به روش پیمایشی انجام شده است. در این پژوهش انواع شبکه‌های زناشویی بررسی شده و در قالب شش گونه معرفی می‌شوند. همسران با شبکه زناشویی ضعیف، همسرانی با شبکه‌ی دوستانه، شبکه‌ی زناشویی پدرسالارانه، شبکه‌های زناشویی مادرسالارانه، شبکه‌های همسری دومرکزیتی و شبکه‌های همسری همراه با مزاحمت یا مداخله. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انواع شبکه‌های زناشویی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم مهمی بر کیفیت روابط همسری دارند. در این پژوهش از تحلیل شبکه فقط به عنوان یک رویکرد نظری و نه روش استفاده شده است.

الیزابت بات (۱۹۹۵)، در تحقیقش با عنوان خانواده‌های شهری: نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی، ۲۰ خانواده لندنی را مورد مطالعه قرار داده است. در این مقاله آمده است: گوناگونی‌های قابل ملاحظه‌ای در نحوه‌ی عمل کردن به نقش‌های زناشویی از طرف شوهران و زنان به چشم می‌خورد. در یکی از متنها الیه نمونه‌های مورد بررسی خانواده‌ای وجود داشت که در آن زن و شوهر بیشترین تعداد ممکن از وظایف مختلف را جدا و مستقل از یکدیگر انجام می‌دادند و در متنها الیه دیگر این بررسی، خانواده‌ای وجود داشت که در آن شوهر و زن در بیشترین فعالیت‌های ممکن با هم سهیم بودند. بات در این مقاله توجه خود را معطوف به روابط خارجی بالفعل خانواده‌ها کرده که آن‌ها را بلافاصله احاطه می‌کند. روابطی مانند دوستان، همسایگان، خویشاوندان، انجمن‌ها، باشگاه‌ها، فروشگاه‌ها، محل‌های کار و ...

بر اساس نتایج این تحقیق روابط اجتماعی خارجی همه‌ی خانواده‌ها بیش از آن که شکل یک گروه سازمان‌یافته را داشته باشد، شکل یک نوع شبکه را به خود می‌گیرد. همچنین یافته‌ها بیانگر این مطلب هستند که اندازه‌ی جدایی نقش‌های زناشویی با درجه‌ی متصلانه بودن شبکه رابطه دارد. خانواده‌هایی که در آن‌ها درجه‌ی بالایی از جدایی در روابط مربوط به نقش‌های زن و شوهر وجود داشت دارای شبکه‌ای به غایت متصلانه بودند. بدین معنی که بسیاری از دوستان، همسایگان و خویشان آن‌ها، یکدیگر را می‌شناختند و خانواده‌هایی که در آن‌ها روابط نسبتاً اشتراک‌آمیزی از لحاظ نقش‌های زناشویی بین زن و شوهر برقرار بود شبکه‌ای پراکنده داشتند. یعنی عده‌ی کمی از بستگان، دوستان و همسایگان آن‌ها با یکدیگر آشنا بودند. محقق به این نتیجه می‌رسد که این انتخاب‌ها به خود خانواده‌ها بستگی دارد، مثلاً

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

یک خانواده ممکن است ترجیح دهد دوستان، همسایگان و خویشان خود را به یکدیگر معرفی کند اما خانواده‌ی دیگر ممکن است چنین علاقه‌ای نداشته باشد. البته محقق خاطر نشان می‌کند که این انتخاب‌ها و اعمال سلیقه‌ها محدودند و تابع عوامل و نیروهایی است که خانواده کنترل مستقیمی بر آن‌ها ندارد مثل نظام اقتصادی و اشتغالی، ساختار نهادهای رسمی و قراردادی و ...

با توجه به چند بعدی و پیچیده بودن خانواده و پژوهش‌های متعدد توسط متخصصین مختلف پیرامون آن، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد خانواده وجود دارد از جمله می‌توان به رویکردهای نهادی، سیستمی (کارکردگرایی ساختاری)، تفسیری، مارکسیستی، فمینیستی، سرمایه اجتماعی، نونهادگرایی و شبکه‌ای اشاره نمود. در این پژوهش با توجه به هدف تحقیق که بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده تهرانی می‌باشد، از مبانی نظری رویکردهای نهادی، سیستمی و نونهادگرایی به عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است.

دیدگاه نهادی مقایسه‌ای و جهانی است، بدین معنی که خانواده را در جوامع مختلف مورد مقایسه قرار می‌دهد تا خطوط اصلی تطویر آن را در همه‌ی جوامع و در طول تاریخ باز یابد (ساروخانی، ۱۳۸۹). رویکرد نهادی، تفکری جبرگرایانه دارد، بدین معنا که پیدایش مراحل مشخص در حیات تاریخی جوامع، جبری است. امیل دورکیم^۱ نیز خانواده را همچون نهادی اجتماعی می‌داند که جزئی از جامعه بوده و شناخت آن مستلزم شناخت کل جامعه است. در واقع پدیده‌ی اجتماعی را از طریق اجباری که بر فرد وارد می‌کند می‌توان شناخت. نهاد خانواده نیز این خصلت را دارد که مستقل از افرادست و بر همه‌ی اعضا تحمیل می‌شود. تمام نظریه‌های نهادگرا، منکر نیروهای فعاله‌ی انسان خلاق و تغییردهنده هستند و همگی نهاد را بر پایه‌ی طبیعت انسان و یا در ایده‌های عینی و یا بر اساس برداشت بدبینانه‌ای از انسان استوار می‌کنند. در مقابل جبر حاکم و قوانین مخصوص دنیای خارج، انسان محکوم است موجودی منفعل باشد و ماحصل این استنتاج بر تشدید دوگانگی اجتماع و جامعه منجر می‌شود. درک خانواده به منزله‌ی یک نهاد به تأکید بر ساخت عینی و غیر فردی آن می‌انجامد (Bowm, 1988: 35).

نظریه پردازان رویکرد سیستمی بر کل نظام اجتماعی و تأثیر اجزای آن (به ویژه ساختارها و نهادهای اجتماعی) بر کل تأکید می‌ورزند و عموماً رهیافت کلان را در بررسی‌های اجتماعی پذیرفته‌اند. آن‌ها برای اجزای نظام در تداوم عملکرد کل نظام نقش مثبتی قائلند. رویکردهای سیستمی با رابطه‌ی یک جزء نظام با اجزای دیگر نیز سر و کار دارد، چندان که دگرگونی در

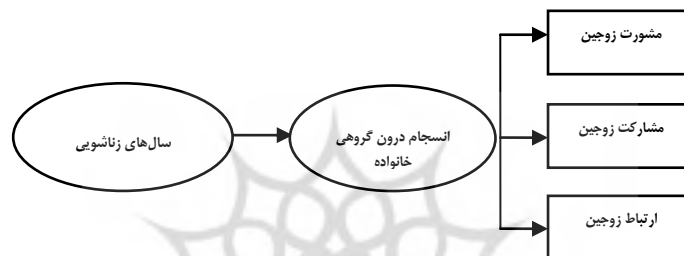
یک جزء به دگرگونی‌هایی در اجزای دیگر می‌انجامد. دگرگونی در یک جزء ممکنست چنان با دگرگونی در اجزای دیگر تعادل یابد که گویی هیچ‌گونه دگرگونی در کل نظام پدید نیامده است اما اگر این تعادل برقرار نشود سراسر نظام احتمالاً دگرگون می‌شود. هر چند این رویکرد چشم‌اندازی توازنی را می‌پذیرد اما لزوماً دیدگاهی ایستا به شمار نمی‌آید. در این توازن نظام اجتماعی، دگرگونی‌ها به شیوه‌ای سامان‌مند رخ می‌دهند نه انقلابی (ریتزر، ۱۳۹۲).

پارسنز به دنبال ساخت نظریاتی درباره‌ی نظام اجتماعی بود به طوری که این نظریات بتواند در نهایت طرح جامعی از جامعه‌ی انسانی به دست دهد. در نظریه‌ی پارسنز جامعه از افراد کنشگری ساخته شده است که راه‌ها و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. این رویکرد نظری ضمن یادآوری اهمیت اصل راه‌ها و اهداف در تحلیل پارسنز، تبیین کارکرد نظام شخصیتی، که پس از این می‌بایستی آن را در نظریه‌ی نظام خویش تلفیق کند را نیز توضیح می‌دهد. بنابراین راه‌ها و اهداف نظام، مشخص است که مورد توافق جمع قرار گرفته است. در این نظریه به ناگزیر حرکت یا کنش انسان به سوی اهداف، به دلیل ارادی و اختیاری بودن آن و در برابر جبرهای اجتماعی و بر خلاف نظر دورکیم، از راه‌ها و طرق مختلفی می‌گذرد ولی این راه‌ها و طرق متفاوت، قاعدتاً به طرف اهداف مشترک و از قبل تعیین شده‌ی فرهنگی بایستی پیش روند در غیر این صورت ناهنجاری و بی‌سازمانی تنها چارچوب موجود در نظریه‌ی پارسنز برای تبیین چنین پدیده‌هایی خواهد بود (تنهایی، ۱۳۹۰). کنشگری آدمی در اندیشه‌ی پارسنز، بر حسب اختیار محدود به محدودیت‌های فرهنگی است. وی کنش خارج از چارچوب فرهنگ را کجروی معرفی می‌کند.

در رویکرد نو نهادگرایی آنچه در مرکز تحلیل‌ها قرار می‌گیرد، نهادها هستند. بررسی مفهوم نهادها عمری به اندازه‌ی طول عمر خود جامعه‌شناسی دارد. جامعه‌شناسان مدت‌هاست به دنبال آنند تا دریابند ساختارهای اجتماعی برای چه بازتولید می‌شوند و چرا حوزه‌های اجتماعی ساختارهای هنجاری متفاوتی دارند؟ نهادها مهمترین جهت‌گیری کنش انسانی و تبدیل شدن آن به عادت را به عنوان واقعیت‌های اجتماعی و بیرونی می‌سازند و در عین حال، به این دلیل از ثبات برخوردارند که با کنش بازتولید می‌شوند. نهادها از دیدگاه نهادگرایی واقعیت‌های اجتماعی بیرونی‌اند و نقش مهم و قابل ملاحظه‌ای در جهت‌گیری و عادی شدن کنش انسان ایفا می‌کنند. نو نهادگرایان با رد فرض عقلانیت ابزاری در نظریه‌ی نئوکلاسیک، بر آنند که افراد در جوامع گوناگون به شیوه‌های متفاوتی جهان را درک می‌کنند. بر این اساس افراد در اثر تماس با فرهنگ و دانش بین نسلی جامعه‌ی خود و نیز در برخورد با تجارب محیطی متفاوت در طول حیات خود، الگوی ذهنی و نظام تصمیم‌گیری خود را شکل می‌دهند (نایب، ۱۳۹۰).

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

همان گونه که پیش‌تر شرح آن رفت، نظریه‌ی اجتماعی پارسنز بیش‌تر به نظام‌های هنجاری، قواعد و درونی شدن آنها علاقه داشت و از این طریق می‌خواست شیوه‌ی تأثیرگذاری نهادها را توضیح دهد، در حالی که نو نهادگرایی در صدد واکاوی روندهای شناختی و نظام‌های معنایی مشترک و جمعی است. در پژوهش حاضر سال‌های زناشویی به عنوان متغیر مستقل می‌باشد و انسجام درون گروهی خانواده به عنوان متغیر وابسته با شاخص‌های ارتباط زوجین با یکدیگر، مشارکت زوجین و مشورت زوجین با یکدیگر سنجیده شده است. مدل زیر نمایانگر این روابط است:



شکل شماره (۱). مدل نظری تحقیق

با توجه به مبانی نظری تحقیق و بررسی‌های انجام شده فرضیه‌ی اصلی این پژوهش عبارت است از:

به نظر می‌رسد افزایش متغیر سال‌های زناشویی به برجستگی بیشتر متغیر انسجام درون گروهی کمک می‌کند.

همچنین فرضیه‌های فرعی زیر نیز در این پژوهش مطرح نظر قرار می‌گیرند:

- ۱- به نظر می‌رسد بین متغیر مستقل سن و انسجام درون گروهی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین متغیر مستقل میزان تحصیلات و انسجام درون گروهی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین متغیر مستقل مدت اقامت در شهر تهران و انسجام درون گروهی رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری بر اساس اعلام مرکز آمار ایران طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ شامل ۲۲۴۵۶۰۱ خانوار در شهر تهران می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری، از فرمول کوکران استفاده شده است (سرابی، ۱۳۹۳).

$$n = \frac{\frac{t^2 p \cdot q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 p \cdot q}{d^2} - 1 \right)}$$

N: حجم جمعیت (جامعه آماری) = حدود ۲۲۵۰۰۰۰ خانواده

d²: دقت احتمالی مطلوب = ۰.۰۰۰۱۶

$$n = \frac{\frac{3/84 \times 0/5 \times 0/5}{0/00016}}{1 + \frac{1}{2250000} \left(\frac{3/84 \times 0/5 \times 0/5}{0/00016} - 1 \right)} = 598$$

t: ضریب اطمینان ۹۵ درصد = ۱/۹۶

t²: ضریب اطمینان ۹۵ درصد = ۳/۸۴۱

P: ۰/۵ و q: ۰/۵

بنابراین حجم نمونه در این تحقیق با احتساب دقت احتمالی ۰/۰۴ طی محاسبات فوق ۵۹۸ نفر به دست آمده است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش «نمونه‌گیری خوشه‌ای و احتمالی» است. با توجه به شیوه نمونه‌گیری، مناطق ۲۲ گانه به پنج خوشه جغرافیایی تقسیم شدند. سپس از هر خوشه بر اساس شیوه تصادفی ساده نمونه‌ها انتخاب شده‌اند. برای سنجش پایایی^۱ و اعتبار^۲ داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از ضریب α آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین اعتباری صوری آن توسط محققان و اساتید دیگر به دست آمده است. همچنین جهت سنجش انسجام درون گروهی خانواده به عنوان متغیر وابسته از سه شاخص ارتباط زوجین با (۷ گویه)، مشارکت زوجین (۵ گویه) و مشورت زوجین (۱۳ گویه) استفاده شده است. این شاخص‌ها به این دلیل انتخاب شدند که حجم روابط بین اعضای خانواده به ویژه زوجین و همچنین میزان شدت روابط را قابل سنجش سازند.

جدول شماره (۱). ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

شاخص‌های سنجش انسجام درون گروهی خانواده (متغیر وابسته)	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
ارتباط زوجین با یکدیگر	۷ گویه	۰/۸۹
مشارکت زوجین با یکدیگر	۵ گویه	۰/۸۸
مشورت زوجین با یکدیگر	۱۳ گویه	۰/۹۲

ابزار جمع‌آوری اطلاعات تحقیق حاضر متناسب با پیمایشی بودن روش تحقیق، پرسش‌نامه^۳ محقق ساخته می‌باشد، که طی آن سؤالات به صورت پنج گزینه‌ای و بر اساس طیف لیکرت تعیین شده و جهت پاسخ بین پاسخگویان در جامعه نمونه توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و جداول یک بعدی و دو بعدی و استنباطی استفاده شده است.

1- Reliability

2- Validity

3 -Questionnaire

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۲). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر جنسیت

متغیر جنسیت	فراوانی	درصد معتبر
مرد	۲۷۲	۴۵/۳
زن	۳۲۸	۵۴/۷
جمع	۶۰۰	۱۰۰

طبق یافته‌های جدول بالا، جامعه‌ی مورد پژوهش شامل ۵۴/۷٪ زن و ۴۵/۳٪ مرد بوده است که اکثریت پاسخگویان در این تحقیق زن می‌باشد.

جدول شماره (۳). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تفکیک سنی

متغیر سن	فراوانی	درصد معتبر
۲۵ - ۳۷	۱۸۹	۳۳/۱
۳۸ - ۴۹	۲۸۰	۴۹
۵۰ - ۶۲	۱۰۲	۱۷/۹
جمع	۵۷۱	۱۰۰

طبق یافته‌های جدول شماره ۳، اکثریت پاسخگویان با ۴۹٪ در بازه سنی ۳۸-۴۹ سال قرار داشته‌اند. ۳۳/۱٪ در بازه سنی ۲۵-۳۷ سال و مابقی (۱۷/۹٪) در بازه سنی ۵۷-۶۲ سال بوده‌اند.

جدول شماره (۴). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع ازدواج

متغیر نوع ازدواج	فراوانی	درصد معتبر
فامیلی	۱۶۰	۲۷/۹
غریبه	۴۱۳	۷۲/۱
جمع	۵۷۳	۱۰۰

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد در اغلب ازدواج‌های صورت گرفته (۷۲/۱٪) زوجین غریبه بوده و رابطه فامیلی نداشته‌اند.

جدول شماره (۵). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

متغیر تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی معتبر
سواد خواندن و نوشتن	۷	۱/۲
تا دیپلم	۸۱	۱۳/۷
تا کارشناسی (لیسانس)	۴۱۰	۶۹/۲
تا کارشناسی ارشد (فوق لیسانس)	۷۸	۱۳/۲
دکتری	۱۶	۲/۷
جمع	۵۹۲	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۵، بیش‌تر پاسخگویان (۶۹/۲٪) تحصیلات کارشناسی، ۱۳/۷٪ دیپلم، ۱۳/۲٪ کارشناسی ارشد، ۲/۷٪ دکتری و ۱/۲٪ در حد سواد خواندن و نوشتن بوده‌اند.

جدول شماره (۶). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال

متغیر وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد فراوانی
خویش فرما	۴	۰/۷
دولتی	۳۹۲	۶۷/۸
نیمه دولتی	۴۸	۸/۳
خصوصی	۳۵	۶/۱
بدون شغل	۹۹	۱۷/۱
جمع	۵۷۸	۱۰۰

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۶، بیشتر پاسخگویان (۶۷/۸٪) دارای شغل دولتی، ۱۷/۱٪ بدون شغل، ۸/۳٪ شغل نیمه دولتی، ۶/۱٪ شغل خصوصی و ۰/۷٪ نیز خویش فرما بوده‌اند.

جدول شماره (۷). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مدت اقامت در شهر تهران

متغیر مدت اقامت در شهر تهران	فراوانی	درصد فراوانی
از بدو تولد	۲۹۶	۵۳/۷
از ۱ الی ۵ سال	۸	۱/۵
از ۵ الی ۱۰ سال	۲۵	۴/۵
از ۱۰ الی ۱۵ سال	۶۷	۱۲/۲
بیش از ۱۵ سال	۱۵۵	۲۸/۱
جمع	۵۵۱	۱۰۰

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۷، بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۷٪) از بدو تولد در تهران بوده‌اند، ۲۸/۱٪ نیز بیش از ۱۵ سال در تهران اقامت داشته‌اند، ۱۲/۲٪ بین ۱۰-۱۵ سال و ۶٪ نیز کمتر از ۱۰ سال در تهران اقامت داشته‌اند.

جدول شماره (۸). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر قومیت

متغیر قومیت	فراوانی	درصد فراوانی
فارس	۳۰۳	۵۱/۹
آذری	۱۸۸	۳۲/۲
لر	۲۹	۵/۰
کرد	۱۶	۲/۷
بلوچ	۰	۰
عرب	۰	۰
مازنی و گیلکی	۴۰	۶/۸
سایر	۸	۱/۴
جمع	۵۸۴	۱۰۰

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸، فارس‌ها با ۵۱/۹٪ اکثریت قومی را تشکیل می‌دهند. پس از آن آذری‌ها با ۳۲/۲٪، مازنی و گیلکی‌ها با ۶/۸٪، لرها با ۵٪، کردها با ۲/۷٪ در مراتب بعدی قرار دارند. ۱/۴٪ نیز مربوط به سایر قومیت‌ها بوده‌اند.

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون رابطه بین متغیر مستقل سن و انسجام درون گروهی

جدول شماره (۹). نتایج آزمون رابطه بین سن و انسجام درون گروهی

ضریب کندال	سطح معناداری
-.۲۴۱	.۰۰۰

بر اساس جدول فوق بین متغیر سن و انسجام درون گروهی بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی‌داری آن ($\text{sig} = /۰۰۰$) با بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. اما مقدار ضریب همبستگی تای b کندال ($-۰/۲۴۱$) بیانگر ضعیف بودن این رابطه همبستگی است و علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی با افزایش سن زوجین، انسجام درون گروهی خانواده کاهش می‌یابد.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیر سن و مقوله ارتباط زوجین با یکدیگر بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی‌داری آن با بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. ضریب همبستگی تای b کندال ($-۰/۲۳۵$) بیانگر ضعیف بودن این رابطه همبستگی است و علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی با افزایش سن زوجین، ارتباط زوجین با یکدیگر در خانواده کاهش می‌یابد.

بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیر سن و مقوله مشارکت زوجین با یکدیگر بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی‌داری آن با بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. ضریب همبستگی تای b کندال ($-۰/۱۶۷$) بیانگر رابطه همبستگی خیلی ضعیف است و علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی با افزایش سن زوجین، مشارکت آنان با یکدیگر در خانواده کاهش می‌یابد. اما طبق نتایج به دست آمده رابطه بین متغیر سن و مقوله مشورت زوجین با یکدیگر بر اساس سطح معنی‌داری آن ($\text{sig} = /۰۶۷$) معنی‌دار نیست، بنابراین ارتباط بین دو متغیر وجود ندارد.

آزمون رابطه بین متغیر مستقل میزان تحصیلات و انسجام درون گروهی

جدول شماره (۱۰). نتایج آزمون رابطه بین میزان تحصیلات و انسجام درون گروهی

ضریب کندال	سطح معناداری
.۰۰۵۰	.۲۵۸

رابطه متغیر میزان تحصیلات و انسجام درون گروهی بر اساس سطح معنی‌داری آن ($\text{sig} = /۲۵۸$) معنی‌دار نبوده، بنابراین رابطه‌ای بین دو متغیر وجود ندارد.

آزمون رابطه بین متغیر مستقل مدت اقامت در شهر تهران و انسجام درون گروهی

جدول شماره (۱۱). نتایج آزمون رابطه بین مدت اقامت در شهر تهران و انسجام درون گروهی

ضریب کندال	سطح معناداری
۰/۰۲۳	۰/۰۷

رابطه متغیر مدت اقامت در شهر تهران و انسجام درون گروهی بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی داری آن ($\text{sig} = ۰/۰۷$) معنی دار نبوده، بنابراین رابطه‌ای بین دو متغیر وجود ندارد.

آزمون رابطه بین متغیر مستقل مدت زمان سپری شده از ازدواج و انسجام درون گروهی

جدول شماره (۱۲). نتایج آزمون رابطه بین مدت زمان سپری شده از ازدواج و انسجام درون گروهی

ضریب کندال	سطح معناداری
-۰/۲۶۵	۰/۰۰۰

رابطه متغیر مدت زمان سپری شده از ازدواج و انسجام درون گروهی بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی داری آن ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) با بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. اما مقدار ضریب همبستگی تای b کندال ($-۰/۲۶۵$) بیانگر ضعف بودن این رابطه همبستگی است و علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی هرچه قدر بیشتر از زمان ازدواج می‌گذرد انسجام درون گروهی کاهش می‌یابد.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیر زمان سپری شده از ازدواج و مقوله ارتباط زوجین با یکدیگر بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی داری آن با بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. ضریب همبستگی تای b کندال ($-۰/۲۵۰$) بیانگر رابطه همبستگی ضعیف است و علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی هرچه قدر بیشتر از زمان ازدواج می‌گذرد ارتباط زوجین با یکدیگر کاهش می‌یابد.

بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیر زمان سپری شده از ازدواج و مقوله مشارکت زوجین با یکدیگر بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی داری آن با بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. ضریب همبستگی تای b کندال ($-۰/۱۹۹$) بیانگر رابطه همبستگی خیلی ضعیف است. علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی با افزایش سال‌های زناشویی مشارکت زوجین با یکدیگر نیز کاهش می‌یابد.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیر زمان سپری شده از ازدواج و مقوله مشورت زوجین با یکدیگر بر اساس ضریب همبستگی تای b کندال و سطح معنی داری آن با

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

بیش از ۹۹ درصد ارتباط وجود دارد. ضریب همبستگی تای b کندال (۰/۲۰۲-) بیانگر رابطه همبستگی ضعیف است و علامت منفی این ضریب دلالت بر معکوس بودن رابطه فوق دارد، یعنی با افزایش سال‌های زناشویی مشورت زوجین با یکدیگر کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با دیدگاه‌های نهادی و سیستمی، به ویژه نظریات دورکیم و پارسنز، با توجه به تغییرات گوناگون و سریعی که شهر تهران خصوصاً طی سال‌های اخیر تجربه کرده است، نشان‌دهنده رشد تفکیک‌یافتگی ساختی و کارکردی است که منجر به پیدایش نقش‌های متعدد و گوناگونی شده است. بر همین اساس پیوستگی اعضای جامعه به یکدیگر افزایش یافته است. این پیوستگی بر روابط قبلی تحمیل شده و منجر به تغییراتی در ساختار خانواده شده است. این فشارها و تغییرات بیرونی منجر به ایجاد تغییراتی در حوزه روابط درون گروهی خانواده شده است. با توجه به تحولات و تغییرات خانواده، ضروری می‌نماید که عوامل اثرگذار بر انسجام درون گروهی خانواده بررسی گردد که در این پژوهش هدف اصلی بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده تهرانی می‌باشد.

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی انجام گرفته است. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۵۹۸ نفر به دست آمده است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش «نمونه‌گیری خوشه‌ای و احتمالی» است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد جامعه‌ی مورد پژوهش از لحاظ تفکیک جنسیتی شامل ۵۴/۷٪ زن و ۴۵/۳٪ مرد بوده است. همچنین اکثریت پاسخگویان با ۴۹٪ در بازه سنی ۳۸-۴۹ سال قرار داشته‌اند. بیشتر پاسخگویان (۶۹/۲٪) تحصیلات کارشناسی، ۱۳/۷٪ دیپلم، ۱۳/۲٪ کارشناسی ارشد، ۲/۷٪ دکتری و بقیه در حد سواد خواندن و نوشتن بوده‌اند. همچنین اکثریت پاسخگویان (۶۷/۸٪) دارای شغل دولتی بوده‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۷٪) از بدو تولد در تهران زندگی می‌کنند، ۲۸/۱٪ نیز بیش از ۱۵ سال در تهران اقامت داشته‌اند، ۱۲/۲٪ بین ۱۵-۱۰ سال و ۶٪ نیز کمتر از ۱۰ سال در تهران اقامت داشته‌اند.

در بیش‌تر ازدواج‌های صورت‌گرفته (۷۲/۱٪) زوجین با یکدیگر غریبه بوده و رابطه فامیلی نداشته‌اند. همچنین از لحاظ متغیر قومیت اکثر پاسخگویان فارس (۵۱/۹٪)، سپس آذری (۳۲/۲٪) و مابقی از سایر اقوام بوده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیر سن و انسجام درون گروهی نیز ارتباط وجود دارد. اما این رابطه از نوع همبستگی ضعیف و معکوس است، یعنی با افزایش سن زوجین، انسجام درون گروهی خانواده کاهش می‌یابد. همچنین بین متغیر سن و مقوله ارتباط زوجین با یکدیگر

ارتباط همبستگی ضعیف و معکوس وجود دارد. یعنی با افزایش سن زوجین، ارتباط زوجین با یکدیگر نیز در خانواده کاهش می‌یابد. نتایج بیانگر رابطه همبستگی خیلی ضعیف بین متغیر سن و مقوله مشارکت زوجین با یکدیگر هستند. این رابطه نیز معکوس است، یعنی با افزایش سن زوجین، مشارکت آنان با یکدیگر در خانواده کاهش می‌یابد. اما طبق نتایج به دست آمده رابطه بین متغیر سن و مقوله مشورت زوجین با یکدیگر معنی‌دار نبوده، بنابراین ارتباط بین دو متغیر وجود ندارد.

بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیرهای مستقل میزان تحصیلات، مدت اقامت در شهر تهران و وضعیت اشتغال با متغیر انسجام درون گروهی خانواده رابطه همبستگی معنی‌داری به دست نیامد. همچنین بین متغیر مدت زمان سپری شده از ازدواج (سال‌های زناشویی) و انسجام درون گروهی رابطه همبستگی ضعیف و معکوس وجود دارد، یعنی هرچقدر بیشتر از زمان ازدواج می‌گذرد انسجام درون گروهی کاهش می‌یابد. همچنین بین متغیر زمان سپری شده از ازدواج و سه مقوله ارتباط، مشارکت و مشورت زوجین با یکدیگر رابطه همبستگی ضعیف و معکوس برقرار است، یعنی هرچقدر بیشتر از زمان ازدواج می‌گذرد ارتباط، مشارکت و مشورت زوجین با یکدیگر کاهش می‌یابد.

فرضیه اصلی این پژوهش نیز بر اساس یافته‌های به دست آمده تأیید گردید، بدین معنا که مدت زمان سپری شده از ازدواج (سال‌های زناشویی) و انسجام درون گروهی رابطه معنادار وجود دارد. از میان فرضیه‌های فرعی مطرح شده نیز فرضیه‌ای که وجود رابطه بین متغیر سن را با انسجام درون گروهی مطرح ساخته بود مورد پذیرش قرار گرفته و فرضیه‌هایی که وجود رابطه بین متغیرهای میزان تحصیلات و مدت اقامت در شهر تهران را با انسجام درون گروهی مطرح ساخته بودند، رد شده و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند.

منابع

- استیگلیتز، جوزف. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جهانی شدن و مسائل آن، ترجمه‌ی حسن گلریز، تهران: نشر نی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۹۰). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر مرنديز، بهمن برنا.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۹۵). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی، تهران: نشر علم.

بررسی تأثیر افزایش سال‌های زناشویی بر انسجام درون گروهی خانواده‌های تهرانی

- حسینی سده، سید مجتبی و فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی بین رضایت‌مندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. روان‌شناسی و دین سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲).
- ذخیره‌داری، ندا؛ محمدی‌پور، محمد؛ علیزاده موسوی، ابراهیم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین عوامل فردی- خانوادگی با عملکرد ازدواج در کارکنان بانک. www.ravanpedia.com
- روزن باوم، هایدی. (۱۳۶۷). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه: نقد مبانی نظری جامعه‌شناسی خانواده در آلمان، ترجمه‌ی محمد صادق مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی ارتباطات (اصول و مبانی). تهران: اطلاعات.
- سرایی، حسن. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. تهران: سمت.
- شکریگی، عالیبه. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی تنهایی زنان، تهران: بهمن برنا.
- فاضلی، نعمت‌الله، و شیوا علینقیان. (۱۳۹۳). گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران، کتاب کنفرانس زنان و زندگی شهری، شهرداری تهران.
- نایب، سعید. (۱۳۹۰). ویژگی‌های تبیین در دستگاه نظری نهادگرایی جدید، فصلنامه بررسی مسائل اقتصادی ایران (اقتصاد تطبیقی سابق)، سال دوم، شماره دوم.

- Bott, Elizabeth (1995) Urban Families: Conjugal Roles and Social Networks, Human Relations, pp 253-292.

- Widmer, Eric. et. al (2004), Types of conjugal networks, conjugal conflict and conjugal quality, European Sociological Review, Vol 20, No. 1, PP 63-77.